



An Analysis of the Distribution of Responsibility Between International Organizations and Member States Based on the Principle of Personal Responsibility

Kaveh Rezaei^{1*}, Seyed Hesamuddin Rafiee Tabatabaei²

¹ Ph.D. Student of Public International Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

² Ph.D. of Private Law, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ABSTRACT: International organizations' possession of legal personality in the international arena inevitably brings specific legal consequences. One of the most important of these consequences is the obligation of the organs and agents of these organizations to accept international responsibility. However, the hybrid structure of such organizations leads to overlaps in the attribution of conduct, meaning that some actions may be attributed solely to the international organization, while other actions are connected to the member states. This hybrid nature also paves the way for piercing the veil of the organization's legal personality, so that sometimes member states become accountable for the organization's violations, and sometimes, conversely, the organization is held responsible for the actions of its members. In this regard, the International Law Commission has sought to clarify the framework of the rules of international responsibility of international organizations. This commission has specified the conditions under which member states are obliged to be accountable for the actions of the organization, as well as the conditions under which the organization is considered responsible for the acts of its members.

Review History:

Received: Feb. 06, 2025

Revised: Mar. 06, 2025

Accepted: Mar. 18, 2025

Available Online: Mar. 19, 2025

Keywords:

International Organizations

International Responsibility

Member States

International Law Commission

Personal Nature of International

Responsibility

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Rezaei, K., Rafiee Tabatabaei, S. H., (2025). Analysis of the Distribution of Responsibility Between International Organizations and Member States with Emphasis on the Principle of the Individuality of Responsibility, *Scientific Journal of Political Law Approaches*, 2(2), 71-84. <https://doi.org/10.22084/qjpla.2025.30895.1034>

Online ISSN 3092-6394



*Corresponding author's email: kaveh.rezaei2020@gmail.com



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to Bu-Ali Sina University Press. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC-BY-NC 4.0) License. For more information, please visit <https://www.creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode>.

واکاوای توزیع مسئولیت میان سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو با تکیه بر اصل شخصی بودن مسئولیت

کاوه رضایی^{۱*}، سیدحسام‌الدین رفیعی طباطبایی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. دکتری تخصصی حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

ارائه آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

کلمات کلیدی:

سازمان‌های بین‌المللی

مسئولیت بین‌المللی

دولت‌های عضو

کمیسیون حقوق بین‌الملل

شخصی بودن مسئولیت بین‌المللی

خلاصه: برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی در عرصه بین‌الملل، به ناچار پیامدهای قانونی خاصی را به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین این پیامدها، الزام به پذیرش مسئولیت بین‌المللی توسط ارگان‌ها و کارگزاران این سازمان‌هاست. سوالی که در این پژوهش مطرح می‌گردد این است که در صورت حدوث اختلاف میان سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو توزیع مسئولیت به چه شکل خواهد بود؟ و اگر اصل بر توزیع مسئولیت هست، چگونه با اصل شخصی بودن مسئولیت قابل جمع است؟ ماهیت ساختار ترکیبی چنین سازمان‌هایی منجر به ایجاد هم‌پوشانی در انتساب رفتارها می‌شود؛ به این معنا که برخی رفتارها ممکن است تنها به سازمان بین‌المللی منتسب باشند، در حالی که دیگر رفتارها به دولت‌های عضو ارتباط پیدا می‌کنند. این ماهیت ترکیبی همچنین زمینه را برای نقض حجاب شخصیت حقوقی سازمان فراهم می‌سازد، به‌طوری که گاهی اوقات دولت‌های عضو در قبال تخلفات سازمان پاسخگو می‌شوند و گاه بالعکس، مسئولیت اعمال اعضا متوجه خود سازمان می‌شود. در همین راستا، کمیسیون حقوق بین‌المللی تلاش کرده است تا چارچوب قواعد مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی را شفاف‌سازی کند. این کمیسیون شرایطی را که بر اساس آن دولت‌های عضو موظف به پاسخگویی در قبال اقدامات سازمان هستند، و همچنین شرایطی که در آن سازمان مسئول اعمال اعضای خود شناخته می‌شود، مشخص کرده است. این مقاله به روش استنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تدوین گردیده است.

۱- مقدمه

کمک می‌کند. این امر تضمین می‌کند که هر یک از طرفین، بر اساس نقش و عملکرد خود، مسئولیت اعمال و نتایج حاصل از آن را بر عهده می‌گیرند. حال سوال این است که چنانچه سازمان بین‌المللی مرتکب نقض قواعد آمره یا نقض حقوق بین‌المللی گردید توزیع مسئولیت به چه شکل خواهد بود؟ در این خصوص به‌نظر می‌رسد که چنانچه یک سازمان بین‌المللی مرتکب نقض حقوق بین‌الملل شود، مسئولیت آن متوجه خود سازمان است و نه دولت‌های عضو. این امر امکان پاسخگویی و پیگیری را فراهم می‌کند. با این حال، در عمل، تعیین مسئولیت می‌تواند چالش برانگیز باشد، به‌ویژه در مواردی که ارتباطات پیچیده‌ای میان سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو وجود دارد. در چنین شرایطی، تفسیر و اجرای دقیق اصل شخصی بودن مسئولیت ضروری است تا اطمینان حاصل شود که مسئولیت‌ها به درستی توزیع شده‌اند. بنابراین، توزیع مسئولیت بر اساس اصل شخصی بودن، نه تنها به تقویت حاکمیت قانون در سطح بین‌الملل کمک می‌کند، بلکه روابط میان سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو را نیز بهبود می‌بخشد. این امر با ایجاد شفافیت و عدالت در پاسخگویی به تخلفات، پایه‌های مسئولیت‌پذیری

توزیع مسئولیت در حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو، موضوعی پیچیده و با اهمیت است. این امر مستلزم درک و اجرای اصل شخصی بودن مسئولیت است، که بر اساس آن، هر شخص یا نهادی به دلیل اعمال خود، مسئولیت‌پذیر است. در این چارچوب، سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو، به‌عنوان دو بازیگر اصلی در صحنه حقوق بین‌الملل، مسئولیت‌های متفاوتی بر عهده دارند. اصل شخصی بودن مسئولیت، به‌عنوان یک اصل بنیادین، بر این نکته تأکید دارد که هر شخص یا نهادی، اعم از حقیقی یا حقوقی، باید به دلیل اقدامات خود پاسخگو باشد. در مورد سازمان‌های بین‌المللی، این بدان معناست که آن‌ها باید بر اساس منشورها و قوانین بین‌المللی عمل کنند و در صورت تخطی از این قواعد، مسئولیت‌پذیر خواهند بود. دولت‌های عضو نیز به نوبه خود، ملزم به رعایت تعهدات بین‌المللی و احترام به قوانین هستند.

توزیع مسئولیت در این زمینه، به شفافیت و عدالت در رسیدگی به تخلفات

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: kaveh.rezaii2020@gmail.com

را در حقوق بین‌الملل مستحکم‌تر می‌سازد.

یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، تعهد به جبران خسارت در صورت نقض تعهدات بین‌المللی است. قواعد مسئولیت بین‌المللی به طور خاص برای تعیین نتایج حقوقی این نقض‌ها طراحی شده‌اند. واضح است که نقش اصلی این قواعد، تضمین عملکرد صحیح نظام حقوقی بین‌المللی است؛ امری که تنها در صورتی به شکلی مؤثر محقق می‌شود که این قواعد برای تمام تابعان آن نظام حقوقی اعمال شوند (زمانی، ۱۳۹۵، ص ۸۲). در قرن بیستم، سازمان‌های بین‌المللی متعددی با صلاحیت‌های مختلف ظهور کردند و در کنار دولت‌ها جایگاه ویژه‌ای یافتند. با گذشت زمان، نفوذ این سازمان‌ها در عرصه روابط بین‌المللی افزایش یافت. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز، که خود محصول همین تحولات بود، در نظریه مشورتی خود در سال ۱۹۴۹ درباره جبران خسارت وارده به سازمان ملل متحد تأکید کرد که نوع و ماهیت تابعان هر نظام حقوقی تابع نیازهای آن جامعه است (زمانی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۶-۲۱۵). افزایش فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی نگرانی‌هایی را درباره تأثیر این اقدامات بر اشخاص ثالث به همراه داشته است. این سازمان‌ها نه تنها عملیات اجرایی مختلفی را در قلمرو کشورها انجام می‌دهند، بلکه روابط حقوقی متعدد و پیچیده‌ای با دولت‌ها، دیگر سازمان‌های بین‌المللی و افراد برقرار کرده‌اند (زمانی، ۱۳۹۵، ص ۸۲). مجمع عمومی سازمان ملل متحد از کمیسیون حقوق بین‌الملل درخواست کرد تا موضوع مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را بررسی کند. این امر به این دلیل بود که با توجه به تعداد بالای اعضا و قدرت و اختیارات گسترده‌ای که این سازمان‌ها دارند، احتمال ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی توسط آن‌ها افزایش یافته است. بررسی مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند به شفاف‌سازی ابعاد ناشناخته این حوزه کمک کند و مشخص کند که مسئول واقعی اعمال متخلفانه کیست (Ryngaert, 2001, p 131). رشد فوق‌العاده روابط بین‌المللی در دو قرن اخیر، به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی، زمینه‌ساز ظهور و گسترش سازمان‌های بین‌المللی بوده است. در نیمه دوم قرن بیستم، افزایش شمار سازمان‌های بین‌المللی «دولتی» از تعداد دولت‌ها به‌عنوان تابعان اولیه حقوق بین‌الملل فراتر رفت؛ موضوعی که تا مدت‌ها قبل حتی تصورش دشوار بود (زمانی، ۱۳۹۵، ص ۲۶-۲۵). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظریه مشورتی خود درباره «مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط دولت‌ها در مخاصمات مسلحانه» اظهار داشت که سازمان‌های بین‌المللی تابعان حقوق بین‌الملل هستند. با این حال، برخلاف دولت‌ها که دارای صلاحیت عام هستند، این سازمان‌ها تحت نظارت «اصل تخصصی» عمل می‌کنند؛ اصلی

که چارچوب آن توسط دولت‌هایی که این سازمان‌ها را تأسیس کرده‌اند و منافع مشترکشان را در قالب محدودیت‌هایی به آن‌ها واگذار کرده‌اند، تعیین می‌شود (I.C., 1996, p 78). با این حال، گاه ممکن است اصل شخصیت حقوقی سازمان توسط اعضای آن نقض شود. از این رو مهم است که مشخص شود که در چه شرایطی مسئولیت بر عهده سازمان قرار می‌گیرد و در چه مواردی مسئولیت دولت‌های عضو در قبال اعمال سازمان محرز می‌شود.

۲- پیشنهاد تحقیق

۱. ضیائی بیگدلی و ترازوی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان: توزیع جبران خسارت در وضعیت مسئولیت مشترک بین‌المللی که در مجله حقوقی بین‌المللی به چاپ رسیده است به این نتیجه رسیده‌اند که: «توزیع جبران خسارت میان عاملان مشترک، با در نظر گرفتن اصل «مسئولیت مستقل»، جداگانه و با ملاحظه میزان تأثیر هریک از عاملان در ایجاد زیان و صدمه صورت می‌پذیرد. رابطه سببیت، یکی از ابزارهای اصلی توزیع مسئولیت جبران خسارت محسوب می‌شود و تحلیل رابطه میان اسباب مختلف در وضعیت‌های مختلف مسئولیت مشترک می‌تواند در توزیع جبران خسارت نقش مؤثری داشته باشد»

۲. ستایش پور و مومنی‌راد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان: دامنه مفهومی مسئولیت اشتقاقی سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل که در مجله مطالعات حقوق به چاپ رسیده است به این نتیجه رسیده‌اند که: «سازمان‌های بین‌المللی نه تنها به‌طور مستقل مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی می‌شوند، بلکه در اعمال متخلفانه‌ای که از سوی دولت‌ها یا دیگر سازمان‌ها ارتکاب می‌یابد نیز به‌نحوی نقش ایفا می‌کنند. همین مسئله موجب شده است تا افزون بر اعمال مسئولیت مستقل سازمان بین‌المللی، پرداختن به مسئولیت سازمان در خصوص اعمال دولت یا سازمان بین‌المللی دیگر ضروری بنماید؛ مقوله‌ای که از آن به مسئولیت اشتقاقی یاد می‌شود و پیشتر در خصوص دولت‌ها مطرح شده است. مسئولیت اشتقاقی سازمان‌های بین‌المللی به‌رغم شباهت‌هایی که با همین مفهوم در خصوص دولت‌ها دارد، تفاوت‌های نه‌چندان کمی در این زمینه وجود دارد که شایسته تدقیق است؛ حال آن که کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌روشنی آن را در مجموعه مواد ۲۰۱۱ خود در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی تبیین نکرده است. چهار حالت کمک یا مساعدت، هدایت و کنترل، اجبار و گریز از تعهد بین‌المللی، وضعیت‌های حصری مسئولیت اشتقاقی سازمان‌های بین‌المللی‌اند که در هر یک مسئولیت به‌نحو متفاوتی تسهیم می‌شود. دامنه این توزیع بسیار گسترده

است، به گونه‌ای که در آن هم نسبیت به چشم می‌خورد و هم معافیت یک طرف از مسئولیت وجود دارد».

۳. موسوی و خداپرست (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان: مسئولیت اعضای سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل که در فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی به چاپ رسیده است به این نتیجه رسیده‌اند که: «هنگامی که یک سازمان بین‌المللی یک عمل متخلفانه بین‌المللی را انجام می‌دهد همه بر این فرض و عقیده هستند که به دلیل اینکه سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل بین‌المللی می‌باشد، تنها آن سازمان بین‌المللی متحمل مسئولیت و ملزم به جبران خسارت می‌باشد و اعضای سازمان به هیچ وجه مسئول تلقی نمی‌شوند. اما این نظریه و فرضیه امروزه در عالم حقوق بین‌الملل از جایگاه بسیار ضعیفی برخوردار است زیرا رویه ثابت کرده است که در مواردی دولت‌های عضو یک سازمان با انجام اعمالی هم چون کنترل و هدایت، اجبار، کمک و مساعدت، و فریب سازمان از شخصیت حقوقی مستقل سازمان‌های بین‌المللی سوءاستفاده نموده و سازمان را به عنوان سپری در برابر اعمال متخلفانه خود قرار داده‌اند. کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۱ این اعمال را احصاء نموده است، تا از این طریق، دول عضو سازمان دیگر به هیچ وجه تحت لوای شخصیت حقوقی مستقل سازمان قرار نگیرند».

ضرورت انجام تحقیق: در فرایند تدوین طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در سال ۲۰۱۱، یکی از جنبه‌های مهم مورد توجه، بررسی نقش دولت‌ها در اعمال و رفتار سازمان‌های بین‌المللی و مسئولیت‌پذیری آن‌ها در این زمینه است. ضرورت مقاله حاضر در جهت تلاش بر تبیین رویکرد طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را در ارتباط با رفتار دولت‌ها در قبال اعمال سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در فصل پنجم این طرح، به طور خاص به برخی از رفتارهای دولت‌ها پرداخته است که در صورت منجر شدن به اقدامات غیرقانونی سازمان‌های بین‌المللی، مسئولیت دولت‌ها را به همراه خواهد داشت. این رفتارها شامل کمک و مساعدت، هدایت و کنترل، اجبار، عدم ایفای تعهدات، پذیرش مسئولیت توسط دولت، و رفتارهایی که موجب اتکای طرف زیان‌دیده می‌شود، می‌باشند. طرح مذکور، مسئولیت ناشی از دو مورد آخر را تحت عنوان مسئولیت ثانوی طبقه‌بندی می‌کند و آن را از مفهوم متداول مسئولیت ثانوی دولت‌ها به صرف عضویت در سازمان متمایز می‌داند. با این حال، لازم است ذکر شود که طرح فعلی دارای برخی کاستی‌ها و نواقص است. به عنوان مثال، رفتارهایی مانند ترغیب و تطمیع سازمان‌های بین‌المللی در

آن پیش‌بینی نشده است، و همچنین تفکیک دقیقی بین مصادیق مسئولیت ناشی از رفتارهای دولت‌ها که منجر به مسئولیت ثانوی می‌شود، وجود ندارد. بنابراین، اصلاحات اساسی در طرح مذکور ضروری به نظر می‌رسد تا این خلأها پر شده و نارسایی‌ها جبران گردند.

نواوری: با توجه به پیشنهادی که از موضوع موجود است تاکنون مقاله‌ای که به صورت مستقل به عنوان مقاله پرداخته باشد موجود نمی‌باشد و با توجه به این که به مسائل روز در حوزه مسئولیت بین‌المللی می‌پردازد از این رو این اثر در نوع خود بدیع و نو می‌باشد.

۳- توزیع مسئولیت میان سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو

سازمان‌های بین‌المللی از نظر عناصر اساسی که ساختار آن‌ها را شکل می‌دهد، در دنیای واقعی ماهیتی ترکیبی دارند. از یک سو، هر سازمان به عنوان نهادی مستقل در عرصه بین‌المللی از شخصیت حقوقی مجزا برخوردار است. از سوی دیگر، اعضای سازمان، علاوه بر داشتن چنین شخصیتی، عاملی برای تداوم حیات آن سازمان محسوب می‌شوند (زمانی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۸). این ترکیبی بودن ماهیت سازمان‌های بین‌المللی موجب شده است که در ارتباط با مسئولیت این سازمان‌ها و اعضای آن‌ها، دو دیدگاه کلی مطرح شود. توزیع جبران خسارت میان عاملان مشترک، خاصه میان سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو، با در نظر گرفتن اصل «مسئولیت مستقل»، جداگانه و با ملاحظه میزان تأثیر هریک از عاملان در ایجاد زیان و صدمه صورت می‌پذیرد. رابطه سببیت، یکی از ابزارهای اصلی توزیع مسئولیت جبران خسارت محسوب می‌شود و تحلیل رابطه میان اسباب مختلف در وضعیت‌های مختلف مسئولیت مشترک می‌تواند در توزیع جبران خسارت نقش مؤثری داشته باشد (ضیائی بیگدلی و ترازوی، ۱۳۹۹، ص ۲۹-۵۰).

۳-۱- نفی مسئولیت اعضاء در قبال اعمال سازمان

بر اساس نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، دیوان بر این باور است که اگر سازمانی از شخصیت حقوقی برخوردار باشد، این شخصیت دارای ماهیت عینی است. در نتیجه، زمانی که قصد بررسی مسئولیت سازمان به دلیل اقدامات متخلفانه آن را داریم، نیازی به ارزیابی این نکته نداریم که آیا کشور زیان‌دیده این شخصیت حقوقی را به رسمیت شناخته است یا خیر؟ (YILC, 2011). فلسفه وجودی سازمان‌های بین‌المللی نیز مبتنی بر این واقعیت است که آن‌ها به عنوان نهادهایی مستقل از دولت‌های عضو خود تلقی می‌شوند

و همین هویت مستقل باعث ایجاد فاصله‌ای میان آن‌ها و دولت‌های عضو می‌گردد. پیامد منطقی این امر، نفی مسئولیت اعضا در برابر اقدامات سازمان است (زمانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰). در قضیه شورای بین‌المللی قلع نیز این موضوع اهمیت زیادی یافت. ماجرا از این قرار بود که شورای مذکور بر اساس موافقتنامه بین‌المللی قلع (شماره ۶) در سال ۱۹۸۲ با مشارکت ۱۷ کشور تولیدکننده قلع، پنج کشور بزرگ مصرف‌کننده و جامعه اقتصادی اروپا به‌منظور جلوگیری از کاهش شدید قیمت قلع و تضمین عرضه کافی آن به قیمت مناسب تشکیل شد و مقر آن در لندن قرار گرفت. در اکتبر ۱۹۸۵، مدیر صندوق سهام احتیاطی شورا اعلام کرد که صندوق منابع کافی برای اجرای قراردادهای منعقد شورا در اختیار ندارد. مذاکرات میان اعضای شورا و طلبکاران ناکام ماند و در نتیجه شاکیان برای جبران خسارت وارد شده به دادگاه‌های انگلستان مراجعه کردند. آن‌ها ادعا داشتند که اعضای شورا به‌طور مشترک و منفرداً مسئول پرداخت دیون شورا هستند. با این حال، در دادگاه بدوی، دعوای شاکیان بر این اساس رد شد که شورای بین‌المللی قلع، طبق حقوق بین‌الملل، شخصیتی حقوقی مستقل دارد و بنابراین خود مسئول پرداخت دیونش است. این رأی در دادگاه استیناف و مجلس اعیان نیز تأیید شد. نکته جالب توجه آن است که تمام قضاتی که طرح مسئولیت مستقیم اعضای شورا را رد کردند، بر جدایی شخصیت سازمان از اعضای آن تأکید داشتند. به عبارت دیگر، در قبال اقدامات و تصمیمات سازمان، اعضای آن اصولاً به‌عنوان ثالث تلقی می‌شوند (زمانی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲-۱۱۱).

در اظهار نظرات دولت‌ها نسبت به پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز چنین دیدگاهی مطرح شده‌است. برخی از دولت‌ها در دعوای خود از این نظر دفاع کرده‌اند که نمی‌توان اعضای یک سازمان را به‌طور کلی مسئول اقدامات متخلفانه آن سازمان دانست (YILC, 2011).

مسئولیت دولت‌های عضو تنها در شرایطی می‌تواند محرز باشد که سازمان دیگر عملاً به‌عنوان یک موجودیت مستقل عمل نکند و شخصیت حقوقی آن صرفاً حالت ظاهری داشته باشد (Aspremont, 2007, p 91). همچنین با وجود برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی مستقل، معمولاً نمی‌توان آن‌ها را نماینده یا کارگزار اعضای خود تلقی کرد تا مسئولیت‌های مرتبط متوجه دولت‌های عضو شود. فرض نمایندگی سازمان از طرف دولت‌های عضو معمولاً با اصل استقلال شخصیت حقوقی و اراده مستقل سازمان سازگاری ندارد. دیوان عالی فدرال سوئیس نیز در پرونده وستلند با توجه به استقلال سازمان در انعقاد قرارداد با طرف ثالث، این ایده را رد کرد که سازمان به نیابت از اعضای خود عمل کرده است (زمانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲-۱۱۱). همچنین با وجود برخورداری سازمان‌های بین‌المللی

از شخصیت حقوقی مستقل، معمولاً نمی‌توان آن‌ها را نماینده یا کارگزار اعضای خود تلقی کرد تا مسئولیت‌های مرتبط متوجه دولت‌های عضو شود. فرض نمایندگی سازمان از طرف دولت‌های عضو معمولاً با اصل استقلال شخصیت حقوقی و اراده مستقل سازمان سازگاری ندارد. دیوان عالی فدرال سوئیس نیز در پرونده وستلند با توجه به استقلال سازمان در انعقاد قرارداد با طرف ثالث، این ایده را رد کرد که سازمان به نیابت از اعضای خود عمل کرده است.

۳-۲- امکان اعمال مسئولیت اعضاء در قبال رفتار سازمان

وجود شخصیت مستقل بین‌المللی برای یک سازمان، امکان انتساب رفتار خاص به سازمان یا اعضای آن، چه یک فرد، چه جمعی از اعضا و یا تمامی آن‌ها، را کاملاً منتفی نمی‌کند. در این راستا، مسئولیت اعضاء در قبال اعمال سازمان را در دو حالت بررسی می‌کنیم.

الف) مسئولیت دولت‌های عضو در قبال اعمال سازمان به دلیل صرف عضویت در سازمان

برخی از حقوقدانان معتقدند که کشورهای عضو سازمان، صرفاً به دلیل عضویت‌شان در قبال نقض حقوق بین‌الملل توسط سازمان، مسئول هستند. این دیدگاه‌ها نگرانی‌هایی که بر عدم استقلال شخصیت حقوقی سازمان تأکید دارند چندان مشکل‌آفرین نمی‌بینند (Stumer, 2007, p 554).

حامیان این نظریه مسئولیت اعضا را با دلایل زیر توجیه می‌کنند:

۱) اگر در اساسنامه‌ی تأسیس یک سازمان بین‌المللی صرفاً به مسئولیت سازمان و نه اعضا اشاره شده باشد، این امر نشانگر عدم مسئولیت اعضاست. اما برعکس، اگر چنین اشاره‌ای وجود نداشته باشد، این می‌تواند به نوعی حکایت از آن داشته باشد که هم سازمان و هم کشورهای عضو در قبال خسارات وارد به ثالث مسئول هستند (Wild, 2005, p 403).

۲) برخلاف حقوق داخلی که قواعدی درباره‌ی مسئولیت محدود شرکت‌ها وجود دارد، در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای مبتنی بر مسئولیت محدود پیش‌بینی نشده‌است (Wild, 2005, p 402).

نادیده گرفتن مسئولیت اعضای یک سازمان ممکن است به زیان زیان‌دیده منجر شود، زیرا حتی اگر حکمی علیه سازمان صادر شود، ممکن است سازمان به دلیل عدم برخورداری از بودجه لازم قادر به پرداخت غرامت نباشد (Grantt, 2009, p 1134-1135). همچنین گروهی دیگر از حقوقدانان معتقدند که اگر دولت عضو به واسطه‌ی اجرای تصمیمات سازمان، آشکارا اصول بنیادین حقوق بین‌الملل را نقض کند، نمی‌توان آن دولت را از مسئولیت مبرا دانست (زمانی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵).

بین‌المللی هدایت کرده یا کنترل بر آن اعمال می‌کند، تنها در صورتی مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت که:

- با آگاهی از شرایط مرتبط با عمل متخلفانه بین‌المللی دست به چنین اقدامی زده باشد

- اگر همان عمل توسط خود دولت انجام می‌شد، به‌عنوان عمل متخلفانه از منظر حقوق بین‌الملل شناخته می‌شد. همچنین، اقدامات یک دولت عضو یک سازمان بین‌المللی که مطابق با قوانین و مقررات آن سازمان انجام شده، بر اساس مفاد پیش‌نویس این ماده موجب ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای آن دولت نخواهد شد.

۲) انتساب عمل به دولت عضو بر اساس اجبار کردن سازمان

ماده ۴۰ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح می‌کند که دولتی که یک سازمان بین‌المللی را مجبور به انجام عملی متخلفانه کند، در صورتی مسئول آن عمل شناخته می‌شود که:

- آن عمل، حتی بدون وجود اجبار، به‌عنوان عملی متخلفانه از سوی سازمان مورد اجبار تلقی شود.

- دولت اجبارکننده آگاهانه و با علم به شرایط و پیامدهای آن عمل، اقدام به چنین اجباری کرده باشد.^۱

بر اساس این ماده، مسئولیت اعمال متخلفانه بین‌المللی سازمان که در نتیجه اجبار آن توسط دولت عضو انجام شده باشد، بر عهده همان دولت است. با این حال، لازم است میان اجبار مستقیم و صرفاً مشارکت دولت در فرآیند تصمیم‌گیری سازمان تمایز قایل شد (YILC, 2011, Art 16).

۳) انتساب عمل به دولت عضو به دلیل پذیرش مسئولیت

ماده ۶۲ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح می‌کند که یک دولت عضو سازمان بین‌المللی تنها در صورتی در قبال عملکرد متخلفانه یک سازمان بین‌المللی مسئولیت خواهد داشت که مسئولیت آن عمل در برابر طرف زیان‌دیده را پذیرفته باشد. این مسئولیت، که برگرفته از حقوق بین‌الملل عرفی است، عمدتاً در مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها تدوین شده‌است. چنین مسئولیتی ناشی از رضایت صریح یا ضمنی دولت عضو سازمان می‌باشد و صرفاً به‌واسطه عضویت دولت مربوطه در سازمان ایجاد نمی‌شود. این رضایت می‌تواند به اشکال مختلف ابراز شود و نیازی نیست که حتماً در چارچوب اسناد سازمان موردنظر مطرح گردد (Ryngaert, 2011, p 141 – 142).

ب) مسئولیت دولت‌های عضو بر مبنای اوضاع و احوال موجود پیش‌بینی این نوع مسئولیت و تعیین اوضاع و احوالی که بتوان دولت عضو را در قبال اعمال سازمان مسئول دانست، اقدامی است که از سوءاستفاده دولت عضو از پشت پرده شخصیت حقوقی سازمان جلوگیری می‌کند این موضوع نشانگر ضرورت نظارت و شفافیت در ارتباط میان نقش اعضا و سازمان در قبال وظایف بین‌المللی است.

ج) مسئولیت دولت عضو بر مبنای قواعد حاکم بر انتساب عمل مسئولیت دولت عضو بر مبنای قواعد حاکم بر انتساب عمل می‌باشد. این مسئولیت در حقوق بین‌الملل موضوعی مهم است و در موارد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه، کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد (ILC) نقش مهمی در تدوین و تبیین قواعد مربوط به مسئولیت دولت داشته است. در واقع سازمان ملل متحد بالاترین نمونه سازمان بین‌المللی بوده و دارای شخصیت بین‌المللی می‌باشد. این سازمان، تابع حقوق بین‌الملل بوده و دارای حقوق و تکالیف بین‌المللی می‌باشد و نیز اهلیت این را دارد تا حقوق خود را با طرح دعاوی بین‌المللی مورد مطالبه قرار دهد (موسی زاده، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

بر اساس قواعد حاکم بر انتساب عمل، هرگاه عملی توسط یک دولت عضو انجام شود، آن دولت مسئولیت آن عمل را بر عهده دارد. این مسئولیت می‌تواند در قالب‌های مختلف از جمله جبران خسارت، عذرخواهی و یا اقدامات اصلاحی دیگر باشد. در این زمینه، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در موارد مختلف به بررسی مسئولیت دولت‌ها پرداخته و رأی‌های مهمی در این زمینه صادر کرده است.

مسئولیت دولت عضو بر مبنای قواعد حاکم بر انتساب عمل، موضوعی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند بررسی دقیق و جامع است. در این راستا، منابع مختلفی از جمله کنوانسیون‌های بین‌المللی، رأی‌های دیوان بین‌المللی دادگستری، و نظرات کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. به‌عنوان مثال، کنوانسیون مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال بین‌المللی (ARSIWA) و همچنین رأی‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌های مختلف می‌تواند به‌عنوان منابع مهم در این زمینه مورد استناد قرار گیرد.

۱) انتساب عمل به دولت عضو بر اساس کنترل یا دستور آن

ماده ۵۹ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان می‌کند که: یک دولت که یک سازمان بین‌المللی را به ارتکاب یک عمل متخلفانه

1. Ario, Art 60 ((www.un.org. /law/ilc)) 4/5\2018

در تفسیر کمیسیون نسبت به ماده ۱۶، نمونه‌هایی از جمله آگاهانه فراهم کردن تسهیلات لازم برای یک سازمان بین‌المللی یا تأمین مالی رفتارهای متخلفانه مطرح شده‌است.^۲

(ب) شانه خالی کردن توسط دولت عضو

(۱) ماده ۶۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان می‌کند که: در صورتی که دولت عضو یک سازمان بین‌المللی، با استفاده از صلاحیت آن سازمان، تعهدات بین‌المللی خود را نقض کند یا شرایط ارتکاب عمل متخلفانه را برای سازمان فراهم آورد، مسئول عمل متخلفانه خواهد بود؛ مشروط بر این که اگر خود آن دولت مرتکب این عمل می‌شد، نیز نقض تعهد محسوب می‌شد. بند اول حتی در صورتی اعمال می‌شود که عمل ارتكابی از سوی سازمان بین‌المللی متخلفانه محسوب نشود.^۲

این ماده به مواردی می‌پردازد که دولت عضو یک سازمان بین‌المللی، از شخصیت حقوقی جداگانه سازمان بهره‌مند شده تا از انجام تعهدات بین‌المللی خود شانه خالی کند. قصد عدم اجرای تعهدات در مفهوم «شانه خالی کردن» وجود دارد. اگر دولت مذکور چنین نتیجه‌ای را قصد نکرده باشد، مسئولیت بین‌المللی سازمان نیز محقق نمی‌شود (YILC, 2011, Art 61). رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر موارد مشابه در آرای موجود دیوان اروپایی حقوق بشر به‌وضوح نشان‌دهنده امکان طرح مسئولیت دولت‌ها در مواردی است که در تضمین تعهدات ناشی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر کوتاهی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، در پرونده «ویت کندی علیه آلمان» که مرتبط با موضوع استخدامی بود، دیوان به مسأله ممانعت غیرموجه از حق دسترسی به عدالت پرداخت. این مورد ناشی از رفتار آلمان بود که به‌عنوان عضو آژانس فضایی اروپا، مصونیتی به آن سازمان اعطا کرده بود. دیوان اظهار داشت: هنگامی که دولت‌ها سازمانی را برای انجام فعالیت‌های خاص تأسیس کرده و اختیارات و مصونیت‌هایی به آن اعطا می‌کنند، حمایت از حقوق بنیادین همچنان بر عهده آن‌هاست؛ بنابراین معاف کردن دولت‌ها از مسئولیت ناشی از کنوانسیون مغایر با هدف و موضوع کنوانسیون خواهد بود (Echr report, 1999, p 410).

شرایط تحقق مسئولیت بین‌المللی بر اساس ماده ۶۱ برای آن که مسئولیت بین‌المللی دولت عضو یک سازمان به دلیل شانه خالی کردن یا «تحایل» از تعهدات محقق شود، سه شرط لازم است:

(۱) سازمان باید در موضوع تعهدات بین‌المللی دولت دارای اختیار باشد. این امر می‌تواند از طریق واگذاری وظایف دولت‌ها به یک سازمان با

(۲) مسئولیت اعمال متخلفانه‌ای که توسط دولت عضو در ارتباط با اقدامات سازمان انجام می‌شود.

(الف) کمک و همکاری

ماده ۵۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح می‌کند:

هر دولتی که در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی به یک سازمان کمک کند یا در آن معاونت داشته باشد، در صورتی مسئول شناخته خواهد شد که:

(الف) با آگاهی از اوضاع و احوال مرتبط با عمل متخلفانه بین‌المللی، اقدام به این کار کرده باشد.

(ب) اگر خود آن دولت همان عمل را انجام می‌داد، آن عمل در چارچوب حقوق بین‌الملل به‌عنوان عمل متخلفانه شناخته می‌شد.

(۲) اگر یک دولت عضو سازمان بین‌المللی بر اساس قواعد آن سازمان اقدام کند، طبق این ماده مسئولیت بین‌المللی برای آن دولت به علت کمک یا همکاری ایجاد نخواهد شد.^۱

دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌کننده می‌تواند هم عضو سازمان باشد و هم غیرعضو. در مواردی که دولت مساعدت‌کننده عضو همان سازمان باشد، امکان پیوند این رفتار با چارچوب سازمان نمی‌تواند به‌کلی نادیده گرفته شود. با این حال، همان‌طور که در بند ۲ تأکید شده‌است، چنانچه اقدامات دولت عضو مطابق با قواعد سازمان مرتبط باشد، این امر موجب تحقق مسئولیت آن دولت به دلیل کمک یا همکاری نخواهد شد. با این وجود، تعیین معیارهای دقیق برای مشخص کردن مفهوم کمک یا معاونت می‌تواند در برخی موارد چالش‌برانگیز باشد. اوضاع و احوال واقعی مانند تعداد اعضا و ماهیت مشارکت ممکن است ازجمله عوامل تعیین‌کننده در این باره باشند (YILC, 2011, Art16).

با استناد به ماده ۱۶ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت دولت‌ها و ماده ۵۸ طرح کمیسیون در خصوص مسئولیت سازمان‌ها، سه شرط اساسی برای تحقق مسئولیت مربوط به کمک و همکاری ارائه شده‌است:

(۱) دولت کمک‌کننده باید نسبت به شرایط و اوضاعی که در آن عمل متخلفانه بین‌المللی صورت گرفته، آگاهی داشته باشد.

(۲) کمک و همکاری باید با قصد تسهیل ارتکاب عمل متخلفانه انجام شده باشد.

(۳) حتی اگر همان عمل توسط کشور کمک‌کننده انجام شود، باید به‌عنوان عملی متخلفانه تلقی گردد.

2. Ario, Art 61((www.un.org. /law/ilc)) 4\5\2018

1. Ario, Art 58 ((www.un.org. /law/ilc)) 4\5\2018

یکپارچگی حقوقی صورت گیرد. هرچند این موضوع محدود به موارد خاصی نیست و ممکن است سازمانی برای وظایفی تأسیس شود که معمولاً در حوزه اختیار دولت‌ها قرار ندارند، اما آنچه مهم است این است که تعهد بین‌المللی در چارچوب صلاحیت اعطا شده به آن سازمان باشد. این تعهد می‌تواند مستقیماً با صلاحیت سازمان مرتبط باشد یا ناشی از معاهدات عام‌تر حقوق بشری محسوب شود.

۲) میان رفتار دولت خاطی و رفتار سازمان ارتباط معناداری وجود داشته باشد. در این راستا ممکن است کشورهای عضو یک سازمان موجب ارتکاب اعمال متخلفانه توسط آن سازمان شوند.

۳) عملی که توسط سازمان انجام شده باید همان عملی باشد که اگر توسط دولت مزبور تحقق یابد، نقض تعهد محسوب می‌شود. وقوع فعل متخلفانه شرط تحقق نقض تعهد است.

بند ۲ ماده ۶۱ توضیح می‌دهد که نیازی نیست عمل انجام‌شده برای سازمان موردنظر نیز یک عمل متخلفانه محسوب شود. این موضوع به این دلیل است که تخطی از تعهدات توسط دولت‌ها معمولاً در شرایطی رخ می‌دهد که سازمان بین‌المللی الزام مشابهی نداشته باشد. با این حال، وجود تعهد برای یک سازمان بین‌المللی لزوماً دولت را از مسئولیت مبرا نمی‌کند. از سوی دیگر، در صورتی که عمل سازمان متخلفانه باشد و علت آن به یکی از دولت‌های عضو آن سازمان بازگردد، ممکن است بین مفاد ماده ۶۱ و مواد ۵۸، ۵۹ و ۶۰ هم‌پوشانی ایجاد شود. این مسئله زمانی پیش می‌آید که یکی از شرایط ذکرشده در این مواد تحقق یابد. با این حال، باید توجه داشت که این هم‌پوشانی ایجاد مشکل نمی‌کند، چراکه تنها منجر به تعدد مبانی اثبات مسئولیت دولت‌ها خواهد شد (YILC, 2011, Art 61).

ج) استناد به مسئولیت دولت عضو از سوی طرف ثالث

موضوعی است که در بند ب ماده ۶۲ مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این ماده یک دولت عضو سازمان بین‌المللی تنها زمانی در قبال عمل متخلفانه آن سازمان مسئول شناخته می‌شود که: رفتار دولت عضو به گونه‌ای باشد که طرف زیان‌دیده، با استناد به تعهدات یا مسئولیت پذیرفته‌شده توسط همان دولت، ادعای خسارت کند. این نوع از مسئولیت بر پایه اصل منع تناقض‌گویی (استاپل) بنا شده است. به عبارت دیگر، این اصل در مواردی اعمال می‌شود که رفتار دولت عضو، دلیلی برای تصور وجود مسئولیت آن دولت ایجاد کرده باشد. به‌طور خاص، زمانی که دولت عضو با اقدامات یا گفتار خود باعث شود طرف ثالث گمان کند این دولت مسئول خسارات احتمالی خواهد بود، نمی‌تواند پس از بروز آن خسارت ادعا کند که مسئولیتی

ندارد. برای مثال، اگر یک طرف ثالث با توجه به رفتار دولت عضو فرض کند که سازمان بین‌المللی مرتبط فاقد منابع مالی برای جبران خسارات است و در صورت وقوع خسارت، دولت عضو آن را جبران خواهد کرد، طرف ثالث می‌تواند به چنین برداشتی استناد کند (Ryngaert, 2011, p145). این وضعیت در پرونده اختلاف مربوط به هلیکوپترهای وستلند نیز مطرح شد، جایی که هیأت داورى نتیجه‌گیری کرد شرایط خاص پرونده باعث شده نمایندگان طرف ثالث با اطمینان از حمایت مستمر دولت‌های عضو، قرارداد را منعقد کنند (YILC, 2011, Art 61). نکته مهم این است که چنین مسئولیتی لزوماً مبتنی بر پذیرش صریح یا ضمنی تعهد از سوی دولت عضو نیست. همچنین می‌توان از اوضاع و احوال چنین مسئولیتی را برداشت کرد، حتی اگر قصد صریح یا اعلام مستقیم دولت عضو در میان نباشد. از سوی دیگر، تعداد کم دولت‌های عضو یک سازمان نیز ممکن است در شکل‌گیری چنین مسئولیتی نقش داشته باشد، اما باید سایر عوامل مرتبط را نیز هم‌زمان در نظر گرفت. شایان ذکر است که حق استناد طرف ثالث به مسئولیت دولت‌های عضو یک سازمان بین‌المللی، امری مفروض و بدیهی نیست و نیاز به اثبات دارد.

۴- نفی مسئولیت سازمان در قبال اعمال اعضای آن

«هنگامی که یک سازمان بین‌المللی یک عمل متخلفانه بین‌المللی را انجام می‌دهد همه بر این فرض و عقیده هستند که به دلیل این که سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل بین‌المللی می‌باشد، تنها آن سازمان بین‌المللی متحمل مسئولیت و ملزم به جبران خسارت می‌باشد و اعضای سازمان به هیچ وجه مسئول تلقی نمی‌شوند. اما این نظریه و فرضیه امروزه در عالم حقوق بین‌الملل از جایگاه بسیار ضعیفی برخوردار است زیرا رویه ثابت کرده است که در مواردی دولت‌های عضو یک سازمان با انجام اعمالی هم چون کنترل و هدایت، اجبار، کمک و مساعدت، و فریب سازمان از شخصیت حقوقی مستقل سازمان‌های بین‌المللی سوءاستفاده نموده و سازمان را به‌عنوان سپری در برابر اعمال متخلفانه خود قرار داده‌اند» (موسوی و خداپرست، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹-۱۸۲).

فلسفه وجودی سازمان‌های بین‌المللی بر این اساس شکل گرفته است که این سازمان‌ها مستقل از دولت‌های عضو عمل کنند و هویتی مجزا و مستقل داشته باشند. این استقلال به گونه‌ای طراحی شده که فاصله‌ای معنادار میان سازمان و دولت‌های عضو ایجاد شود (زمانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰). نتیجه منطقی چنین فلسفه‌ای این است که سازمان‌های بین‌المللی اصولاً

ایجاد تعادل و درک دقیق حدود مسئولیت پذیری است.

برخی ممکن است استدلال کنند که پذیرش مسئولیت سازمانی می تواند محدودیت هایی غیرضروری برای سازمان ایجاد کند و مانع از فعالیت های آن شود. اگرچه این نگرانی تا حدی قابل درک است، اما سازمان ها باید به دنبال یافتن تعادلی مناسب بین مسئولیت پذیری و انجام وظایف خود باشند. مسئولیت پذیری سازمانی، به عنوان یک اصل اساسی، باید در کنار سایر اهداف و فعالیت های سازمان مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت، پذیرش مسئولیت سازمانی در قبال اعمال اعضای خود، نه تنها یک الزام اخلاقی و حقوقی، بلکه راهی برای تقویت عملکرد سازمان و ایجاد رابطه ای اعتمادآمیز با جامعه است. با درک و پذیرش این مسئولیت، سازمان ها می توانند به سمت پیشرفت و بهبود مستمر گام بردارند و از بروز رفتارهای ناپسند و تبعات منفی جلوگیری کنند.

۵- امکان اعمال مسئولیت سازمان در قبال اعمال اعضای آن

با این حال، در برخی شرایط استثنایی، امکان دارد که یک سازمان بین المللی مسئولیت عمل مستقیم یک دولت یا حتی سازمان بین المللی دیگری را به عهده بگیرد (شهبازی و رضایی نسب، ۱۳۹۶، ص ۴۷۸). روابط میان یک سازمان و اعضای آن به گونه ای است که این سازمان ها می توانند بر رفتار اعضای خود تأثیر بگذارند. در چنین مواردی ممکن است رفتار مربوطه به عنوان تخلف بین المللی شناخته شود. اما آیا این رفتار قابل انتساب به خود سازمان است؟ پروفیسور «غایا» بیان کرده است که هیچ مانعی برای فرض مسئولیت سازمان های بین المللی در قبال اعمال غیرقانونی دولت ها یا دیگر سازمان ها وجود ندارد؛ البته به شرطی که مشارکت سازمان با چنین اقدامات غیرقانونی قابل اثبات باشد (Reinish, 2007, p 65).

۵-۱- کمک یا معاونت در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین المللی

براساس ماده ۱۴ طرح کمیسیون حقوق بین الملل، هر سازمان بین المللی که در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین المللی به یک دولت یا سازمان بین المللی دیگر کمک کند یا در آن معاونت داشته باشد، از نظر حقوق بین الملل مسئول خواهد بود، مشروط بر اینکه: (۱) سازمان مذکور از ماهیت و شرایط غیرقانونی بودن عمل آگاه باشد. (۲) اگر همان عمل توسط خود سازمان انجام می شد، متخلفانه شمرده می شد. این ماده مشخص می کند که علم به ارتکاب عمل خلاف یکی از شروط اصلی احراز مسئولیت است. اگر دولت یا سازمان کمک کننده با قصد تسهیل عمل غیرقانونی یا استفاده

مسئول اعمال و رفتار اعضای خود نیستند. از منظر منطقی نیز غیرقابل تصور است که یک سازمان بین المللی تحت هر شرایطی مسئول اقدامات اعضای خود باشد، چراکه چنین مسئولیتی با ماهیت و هدف وجودی این سازمان ها در تعارض است.

مسئولیت سازمانی در قبال رفتار و اقدامات اعضای آن، موضوعی حقوقی و اخلاقی است که در جوامع و سیستم های مدیریتی مختلف مورد توجه ویژه قرار می گیرد. این مفهوم، سازمان ها را ملزم به پاسخگویی در برابر اعمال و رفتار اعضای خود می کند، به این معنی که سازمان ها باید مسئولیت خسارات و آسیب های ناشی از اقدامات اعضای خود را بر عهده بگیرند. این مسئولیت پذیری، جنبه ای اساسی در مدیریت و رهبری سازمان ها محسوب می شود و تأثیرات عمیقی بر عملکرد و جایگاه آن ها در جامعه دارد.

در برخی موارد، سازمان ها تلاش می کنند تا با انکار مسئولیت اعضای خود، از بار مسئولیت پذیری شانه خالی کنند و اعضای خود را به عنوان افراد مستقل و جدا از سازمان معرفی نمایند. این رویکرد می تواند ناشی از ترس از عواقب حقوقی، تمایل به کاهش هزینه ها، یا اجتناب از پیامدهای منفی باشد. با این حال، چنین رویکردی می تواند تبعات منفی برای سازمان و جامعه به همراه داشته باشد. عدم پذیرش مسئولیت، نه تنها می تواند به تضعیف اعتماد عمومی منجر شود، بلکه ممکن است سازمان را در معرض خطرات و چالش های قانونی قرار دهد.

مهم است در نظر بگیریم که اعضای سازمان، اغلب به عنوان نمایندگان و سفیران آن عمل می کنند و اعمالشان می تواند به نام سازمان ثبت شود. از این رو، پذیرش مسئولیت سازمانی در قبال اعمال اعضای خود، نه تنها یک الزام اخلاقی، بلکه ضرورتی حقوقی است. سازمان ها باید اطمینان حاصل کنند که اعضای آن ها به شیوه ای مسئولانه و اخلاقی عمل می کنند و در صورت بروز هرگونه تخلف یا آسیب، پاسخگو باشند.

پذیرش این مسئولیت، نه تنها به حفظ اعتبار و اعتماد جامعه کمک می کند، بلکه می تواند به بهبود عملکرد سازمان نیز بیانجامد. با پذیرفتن مسئولیت، سازمان ها می توانند اقدامات پیشگیرانه ای را برای جلوگیری از تخلفات و رفتارهای نامناسب اعضای خود اتخاذ کنند. این شامل ارائه آموزش های لازم، نظارت بر عملکرد اعضا، و اطمینان از دسترسی آن ها به منابع و حمایت های مورد نیاز است.

یکی از چالش های اصلی در این زمینه، تعیین مرزهای مسئولیت سازمانی است. سازمان ها باید بتوانند بین اعمال اعضای خود در چارچوب وظایفشان و رفتارهای خارج از حیطه مسئولیت شان تمایز قائل شوند. این امر نیازمند

از کمک برای انجام اقدام متخلفانه دخالت نداشته باشد، مسئولیتی ایجاد نمی‌شود (YILC, 2011, Art 14).

شرط دوم این است که کمک یا مساعدت ارائه‌شده باید به‌منظور تسهیل ارتکاب عمل متخلفانه صورت گیرد و واقعاً این تأثیر را داشته باشد. این شرط کاربرد ماده ۱۴ را محدود می‌کند به مواردی که کمک یا مساعدت ارائه‌شده به‌طور واضح با رفتار متخلفانه بعدی مرتبط باشد. سازمان مسئول کمک یا مساعدت تنها در صورتی مشمول ماده ۱۴ می‌شود که قصد آن سازمان انجام همان عمل متخلفانه از طریق آن کمک یا مساعدت بوده و واقعاً نیز عمل متخلفانه به‌وسیله دولت یا سازمانی که کمک یا مساعدت دریافت کرده، انجام گرفته باشد (YILC, 2011, Art 16). افزون بر این، برای تحقق مسئولیت بین‌المللی ناشی از کمک یا مساعدت، این کمک یا مساعدت باید تأثیر قابل‌توجهی در ارتکاب عمل متخلفانه داشته باشد (YILC, 2011, Art 14).

مشخص نیست که آیا اهمیت کمک مالی را باید با استانداردهای سازمان‌های بین‌المللی کمک‌کننده سنجید، یا بر اساس روش‌های انجام آن توسط دولت یا سازمان دریافت‌کننده. به‌عنوان مثال، وامی از بانک توسعه‌ای اروپا (EBRD)، که در مقیاس کوچک‌تر است، می‌تواند تقریباً کل نیازهای مالی یک پروژه خاص را پوشش دهد؛ حتی اگر این پروژه شامل نقض حقوق بشر باشد. از سوی دیگر، سهم بزرگی از بودجه بانک جهانی ممکن است فقط بخشی از سرمایه‌گذاری در یک پروژه مشترک باشد. اگر در این مثال صرفاً اندازه بودجه موردنظر باشد، شاید تهیه این کمک یا مساعدت برای برانگیختن مسئولیت بانک جهانی کافی نباشد. اما با توجه به این واقعیت که تأمین مالی بانک جهانی به‌عنوان “مهر تأیید” تلقی می‌شود، این موضوع اغلب منجر به جلب حمایت مالی دیگر وام‌دهندگان رسمی و خصوصی می‌شود. بنابراین، حتی مبالغی که از نظر کمیت اندک هستند نیز ممکن است برای تعیین میزان مسئولیت اهمیت داشته باشند (Reinish, 2007, p71). با توجه به این که اقدامات غیرقانونی بین‌المللی ممکن است ناشی از نقض تعهداتی باشند که اهمیت‌های گوناگون دارند، ازجمله قواعد آمره، حقوق بشر یا حتی قواعد فنی، باید توجه داشت که نیمی از مسئولیت‌ها برای نقض حقوق بین‌المللی وجود ندارد؛ چراکه کمترین همکاری در ارتکاب این نقض‌ها نیز نباید صورت گیرد (Reinish, Ibid, 2007, p 72).

که سازمان کمک‌کننده تنها زمانی مسئول خواهد بود که اقدام انجام‌شده توسط آن نیز متخلفانه باشد. بنابراین، اگر سازمان شرایط ارتکاب عمل متخلفانه را فراهم نماید، مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت آن با نقض

تعهدات سازمان دریافت‌کننده مرتبط می‌شود. نمونه‌ای از رویه موجود در این زمینه را می‌توان در گزارش مشاور حقوقی سازمان ملل به تاریخ ۱۲ اکتبر ۲۰۰۹ مشاهده کرد. در این گزارش اشاره شده که نیروهای سازمان ملل در جمهوری دموکراتیک کنگو در کمک به نیروهای ارتش این کشور، با نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بشر و حقوق پناهندگان مرتبط بوده‌اند. مشاور حقوقی سازمان در گزارش ذکرشده اعلام داشت: اگر نیروهای سازمان ملل در کنگو در یک عملیات مرتکب نقض یکی از حوزه‌های حقوقی شوند و با این وجود همچنان شواهدی موجود باشد که نشان دهد این نقض ادامه دارد، نیروهای سازمان ملل می‌توانند به لحاظ قانونی حمایت خود از عملیات مذکور را قطع کنند. با این حال، باید مشارکت خود را به طور کامل متوقف نمایند. در چنین شرایطی، نیروهای سازمان ملل نمی‌توانند حمایت لجستیکی یا خدماتی برای عملیات‌های نیروهای ارتش کنگو فراهم کنند؛ چراکه شواهدی مبنی بر نقض مداوم حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه توسط واحدهای درگیر وجود دارد. این موضوع مستقیماً برگرفته از تعهدات منشور ملل متحد به حفظ و ترویج احترام به حقوق بشری و بشردوستانه است که جزو حقوق بین‌المللی عرفی نیز محسوب می‌شود (YILC, 2011, Art 14).

۵-۲- هدایت و اعمال کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی

ماده ۱۵ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل تصریح می‌کند: یک سازمان بین‌المللی که دولت یا سازمان بین‌المللی دیگری را در ارتکاب یک عمل خلاف مقررات بین‌المللی هدایت یا کنترل می‌کند، به لحاظ بین‌المللی مسئول آن عمل خواهد بود. این مسئولیت تحت شرایط زیر برقرار است:

– سازمان مربوطه با آگاهی از شرایط و اوضاع اقدام به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی کرده باشد.

– آن عمل، اگر مستقیماً توسط خود سازمان مربوطه انجام می‌شد، نیز به‌عنوان عملی متخلفانه محسوب می‌شد. اصطلاح “کنترل” در اینجا به مفهوم تسلط و نفوذ مستقیم در ارتکاب عمل متخلفانه اشاره دارد و جای خود را به نظارت ساده یا ارتباط غیرمستقیم نمی‌دهد. همچنین، واژه “هدایت کردن” صرفاً به تحریک یا پیشنهاد محدود نمی‌شود، بلکه دلالت بر هدایت عملی واقعی دارد (YILC, 2011, Art 17).

بندهای الف و ب این ماده به ترتیب تأکید دارند بر علم نسبت به شرایط و اوضاع حاکم بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی و این که این عمل باید به گونه‌ای باشد که حتی اگر توسط خود سازمان کنترل‌کننده انجام می‌گرفت، همچنان متخلفانه تلقی می‌شد. در صورتی که دولت هدایت‌کننده

از این امر آگاه نباشد که اقداماتش موجب نقض تعهدات بین‌المللی می‌شود، مسئولیتی بر عهده نخواهد داشت. هدف از کنترل و هدایت، تسهیل وقوع عمل متخلفانه بین‌المللی است؛ بنابراین، این مسئولیت تنها زمانی بر سازمان کنترل‌کننده اعمال می‌شود که عمل انجام‌شده برای این سازمان نیز از نظر بین‌المللی متخلفانه باشد (YILC, 2011, Art 15).

۵-۳- اجبار

ماده ۱۶ طرح کمیسیون حقوق بین‌المللی تأکید می‌کند که اگر یک سازمان بین‌المللی با اعمال فشار یا اجبار، دولت یا سازمان بین‌المللی دیگری را به ارتکاب عملی متخلفانه از نظر قوانین بین‌المللی وادارد، مسئولیت این عمل به عهده سازمان اجبارکننده خواهد بود. این مسئولیت دو شرط اصلی دارد:

۱) عمل ارتكابی بدون وجود اجبار نیز به‌عنوان عملی متخلفانه برای دولت یا سازمان تحت اجبار تلقی شود.

۲) سازمان اجبارکننده با علم به پیامدهای عمل مذکور آن را تحمیل کرده باشد^۱.

اجبار باید به حدی باشد که اراده دولت یا سازمان مورد اجبار را به‌طور کامل تحت تأثیر قرار دهد. به عبارت دیگر، این اجبار باید به گونه‌ای باشد که برای آن دولت یا سازمان هیچ راهی جز پیروی از خواسته‌های دولت اجبارکننده باقی نگذارد. تنها سخت‌تر شدن اجرای تعهد یا هدایت و کنترل سازمان در انجام یک عمل کفایت نمی‌کند. علاوه بر این، لازم است که دولت اجبارکننده دقیقاً فعلی را که از لحاظ بین‌المللی متخلفانه است، تحمیل کند. از این‌رو، اگر اعمال اجبار صرفاً اجرای تعهدات را برای دولت مورد اجبار دشوارتر کند، کافی نخواهد بود. اگرچه اجبار در چارچوب این ماده به شکلی محدود تعریف شده‌است، اما این تعریف تنها شامل اجبار غیرقانونی نمی‌شود. در عمل، اکثر موارد اجبار که شرایط این ماده را دارند، غیرقانونی به شمار می‌آیند؛ چراکه اغلب با تهدید یا اعمال زور مغایر با منشور ملل متحد یا مداخله قهری در امور داخلی دولت‌ها همراه هستند. این موضوع درباره اقدامات متقابل نیز صدق می‌کند. چنین اقداماتی ممکن است ماهیت قهرآمیز داشته باشند، اما طبق ماده ۲۲، هدف از اعمال آن‌ها وادار کردن دولت یا سازمان متخلف به پایبندی به تعهداتش، توقف اقدامات متخلفانه و جبران خسارت است و نه اجبار آن به نقض تعهدات خود نسبت به دولت‌های ثالث. البته، اجبار می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد، از جمله فشار اقتصادی

شدید؛ مشروط بر این که این فشار به‌گونه‌ای باشد که دولت یا سازمان تحت اجبار عملاً نتواند از تعهدات خود پیروی کند. معادل دانستن اجبار با فورس مازور بدان معناست که در بسیاری از مواردی که ماده ۱۶ اعمال می‌شود، دولت یا سازمان تحت اجبار در برابر دولت یا سازمان ثالث زیان‌دیده مسئولیت نخواهد داشت. این مفهوم در عبارت «بدون آن اجبار» در بند الف ماده ۱۶ تصریح شده‌است. اجباری که به قوه قهریه منجر شود، می‌تواند نشان‌دهنده دلیلی باشد که چرا متخلفانه بودن یک عمل در برابر دولت یا سازمان تحت اجبار کنار گذاشته می‌شود. از همین رو، برخلاف مواد ۱۴ و ۱۵، در ابتدای این ماده واژه عمل با صفت «متخلفانه بین‌المللی» توصیف نشده‌است. همچنین، در این موارد شرایطی وجود ندارد که بتوان متخلفانه بودن عمل سازمان تحت مساعدت و کنترل را توجیه کرد. با این حال، همچنان هیچ دلیلی وجود ندارد تا متخلفانه بودن این عمل در برابر سازمان اجبارکننده کنار گذاشته شود. در مقابل، اگر نتوان سازمان اجبارکننده را مسئول آن عمل دانست، دولت زیان‌دیده نیز عملاً راهی برای جبران خسارت نخواهد داشت^۲.

از دیگر شروط مسئولیت طبق ماده ۱۶، این است که دولت اجبارکننده باید از شرایطی که به‌طور مستقل از این اجبار می‌تواند رفتار دولت یا سازمان تحت اجبار را متخلفانه جلوه دهد، آگاه باشد. در این راستا، واژه «شرایط» در بند ۲ این ماده به وضعیت عینی اشاره دارد، نه به قضاوت سازمان اجبارکننده درباره قانونی بودن آن فعل. استفاده از عبارت «مشروط آن فعل» این موضوع را به وضوح بیان می‌کند. بنابراین، اگرچه جهل به قانون مسئولیت را از میان بر نمی‌دارد، اما جهل به موضوع می‌تواند در تعیین مسئولیت سازمان اجبارکننده نقش قابل‌توجهی داشته باشد (YILC, 2011, Art 18).

د) شانه خالی کردن از تعهدات بین‌المللی از طریق تصمیمات و اعطای مجوز به اعضا ماده ۱۷ طرح کمیسیون تصریح می‌کند: ۱) یک سازمان بین‌المللی در شرایطی دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود که با اتخاذ تصمیمات الزام‌آور برای دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی عضو، منجر به ارتکاب عملی توسط آنان شود که اگر خود سازمان آن را مرتکب می‌شد، به‌عنوان عمل متخلفانه تلقی می‌شد.

۲) همچنین، سازمان بین‌المللی در صورتی مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت که با اعطای مجوز به دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی عضو، موجبات ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی فراهم شود و آن عمل به دلیل صدور مجوز مذکور صورت گرفته باشد.

۳) صرف‌نظر از این که عمل یادشده متخلفانه از سوی دولت‌های عضو یا سازمان‌های بین‌المللی مخاطب تصمیم یا مجوز باشد، بندهای ۱ و ۲ قابل

1. Ario, Art 16 ((www.un.org./law/ilc)) 4\5\2018

اعمال هستند. سازمان‌های بین‌المللی و اعضای آن‌ها به‌عنوان تابعان جداگانه حقوق بین‌الملل تلقی می‌شوند. این ویژگی به سازمان‌ها امکان می‌دهد تا برای دستیابی به اهدافی که نمی‌توانند به صورت مستقیم و قانونی محقق سازند، از اعضای خود تأثیر بگیرند و در نتیجه از برخی تعهدات بین‌المللی‌شان شانه خالی کنند. همان‌گونه که نماینده اتریش در بحث‌های کمیته ششم اشاره کرد، نباید شرایطی برای سازمان‌های بین‌المللی فراهم شود که بتوانند با پناه گرفتن پشت اعمال اعضای خود، از مسئولیت گریزان شوند (YILC, 2011, Art 17).

به طور خاص در چنین مواردی، اگر رفتار موردنظر به‌عنوان نقض تعهدات دولت‌ها یا سازمان‌های عضو محسوب نشود، امکان فرار از مسئولیت تعهد بیشتر خواهد بود. برای نمونه، می‌توان به مواردی اشاره کرد که در آن یک سازمان با دولت غیرعضو معاهده‌ای منعقد می‌کند، اما این معاهده تأثیر حقوقی برای اعضای سازمان ایجاد نمی‌کند. اصطلاح «شانه خالی کردن» یا «تحایل» نشان‌دهنده قصد سازمان بین‌المللی برای سوءاستفاده از شخصیت حقوقی مستقل اعضای خود به‌منظور عدم اجرای یک تعهد بین‌المللی است. شایان ذکر است که اثبات چنین قصدی به شرایط و اوضاع خاص هر پرونده بستگی دارد.

بند اول ماده ۱۷ به موضوع مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در قبال اقدامات متخلفانه‌ای که در نتیجه تصمیمات الزام‌آور آن‌ها توسط دولت‌ها یا سازمان‌های عضو انجام می‌شود، می‌پردازد. بر اساس این بند، اتخاذ تصمیم الزام‌آور تنها به معنای مسئول دانستن سازمان اتخاذکننده برای ارتکاب چنین عملی نیست، چراکه از دولت‌ها و سازمان‌های عضو انتظار می‌رود از این تصمیمات تبعیت کنند؛ امری که خود ممکن است خطر زیان برای شخص ثالث را افزایش دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که سازمان باید صرفاً به دلیل تصمیم‌گیری، مسئول تلقی شود و اشخاص ثالث حتی پیش از ارتکاب تخلف بتوانند درخواست جبران خسارت کنند. این بند بر این دیدگاه استوار است که اجرای تصمیمات الزام‌آور سازمانی ممکن است به معنای نقض یکی از تعهدات بین‌المللی سازمان باشد. در تأیید این دیدگاه، نماینده دانمارک در کمیته ششم اظهار داشت که منطقی نیست دولتی را که در برابر تصمیمات الزام‌آور سازمان اختیارات محدودی دارد، تنها مسئول اقدامات ناشی از این تصمیمات بدانیم. در مقابل، بند دوم ماده ۱۷ شرایطی را بررسی می‌کند که در آن سازمان بین‌المللی تصمیماتی را اتخاذ می‌کند که به اعضای آن آزادی بیشتری در تعیین اقدامات می‌دهد و در نتیجه، احتمال شانه خالی کردن از تعهدات بین‌المللی کاهش می‌یابد. در چنین وضعیتی، مسئولیت سازمان

تنها زمانی محقق می‌شود که عمل نقض‌کننده تعهدات واقعاً صورت گیرد (YILC, 2011, Art 17). این بند به مواردی اشاره دارد که سازمان با تجویز انجام اعمال خاص توسط اعضا، زمینه‌ای برای نقض تعهد فراهم می‌آورد. اگرچه اعضا در ظاهر اختیار پذیرش یا رد این تجویز را دارند، اما عملاً اغلب وظایف محول‌شده به آن‌ها توسط خود اعضا اجرا می‌شود. همچنین تجویز یک عمل معمولاً به معنای انتظار سازمان برای اجرایی شدن آن عمل است. این است که عمل تجویز شده برای خود سازمان نیز متخلفانه تلقی شود و امکان نقض تعهد بین‌المللی آن را فراهم آورد. شرط دوم این است که عمل موردنظر واقعاً انجام شود، چرا که ممکن است تجویز منجر به وقوع عمل نشود. علاوه بر این، باید مشخص شود که عمل انجام‌شده مستقیماً ناشی از تجویز بوده است. این شرط نیازمند تحلیل دقیق تأثیر تجویز بر رفتار واقعی دولت یا سازمان عضو استبرای احراز مسئولیت، باید استناد منطقی به تجویز وجود داشته باشد. برای مثال، اگر تاریخ اعتبار تجویز گذشته باشد یا هدف آن با شرایط موجود منطبق نباشد، ممکن است مسئولیت سازمان از بین برود، زیرا تغییرات اساسی در اوضاع و احوال پس از تجویز رخ داده است (YILC, 2011, Art 17).

همچنین ممکن است سازمان با تجویزی ضمنی، اعضا را به انجام اعمالی ترغیب کند که منجر به نقض تعهدات بین‌المللی شود. در چنین مواردی، سازمان مسئولیت خواهد داشت اما نسبت به سایر تخلفات ناشی از عملکرد اعضا، مسئولیتی متصور نیست. به‌عنوان نمونه، نامه دبیرکل وقت سازمان ملل متحد به نخست‌وزیر رواندا در سال ۱۹۹۶ قابل اشاره است. در این نامه تأکید شده بود که اگرچه شورای امنیت نیروهای عملیات ترکواز را تأیید کرده بود، اما اجرای عملیات تحت کنترل داخلی دولت مربوطه صورت گرفته و در نتیجه، این عملیات به سازمان ملل متحد قابل انتساب نیست. بنابراین مسئولیت بین‌المللی نیز بر عهده سازمان ملل قرار نمی‌گیرد. در نهایت، بند سوم ماده ۱۷ تصریح می‌کند که مسئولیت بین‌المللی یک سازمان برخلاف رفتار متخلفانه دولت‌ها یا سازمان‌های عضو نمی‌تواند مبتنی بر صرف ارتباط با تصمیمات یا تجویزهای ارائه‌شده باشد (YILC, 2011, Art 17).

۵-۴- شانه خالی کردن یک سازمان عضو در یک سازمان دیگر از یک تعهد بین‌المللی

بر اساس ماده ۱۸ از طرح کمیسیون: بدون آسیب رساندن به مواد ۱۴ و

۱۷ این پیش‌نویس، مسئولیت یک سازمان بین‌المللی که به‌عنوان عضو در سازمان بین‌المللی دیگری فعالیت می‌کند، در ارتباط با اعمال خلاف سازمان اخیر بر اساس شرایط تعریف شده در مواد ۶۱ و ۱۲ برای دولت‌های عضو یک سازمان بین‌المللی نیز صادق است. با استناد به ماده ۶۱، مواردی که مسئولیت بین‌المللی برای سازمانی که عضوی از یک سازمان دیگر است اثبات می‌شود عبارتند از:

۱) اگر سازمان عضو، با سوءاستفاده از اختیارات خود در حوزه تعهد مشخص یا با فراهم کردن امکان وقوع عمل خلاف توسط سازمان دیگر، از زیر بار تعهد فرار کند. این امر مشروط بر آن است که اگر خود آن دولت مرتکب عمل مذکور می‌شد، همچنان نقض تعهد بین‌المللی تلقی می‌شد.

۲) مستقل از این که عمل متخلفانه برای سازمان بین‌المللی دیگر تخلف محسوب شود یا خیر^۱، شرایط مشابه با وضعیتی است که یک دولت عضو از تعهد بین‌المللی خود شانه خالی می‌کند، موضوعی که قبلاً شرح داده شده و نیاز به تکرار ندارد.

۵-۵- پذیرش مسئولیت

۱) طبق ماده ۱۸ طرح کمیسیون، مسئولیت بین‌المللی یک سازمان در شرایط مقرر در ماده ۶۲ نیز قابل اجرا است. به موجب ماده ۶۲ سازمانی که عضوی از یک سازمان بین‌المللی است، در موارد زیر در برابر عمل متخلفانه یک سازمان بین‌المللی مسئول خواهد بود:

الف) پذیرش مسئولیت عمل مذکور در برابر طرف زیان‌دیده

ب) ارجاع طرف زیان‌دیده به مسئولیت خود

۲) هر نوع مسئولیت بین‌المللی ناشی از بند ۱، در وهله نخست نوعی مسئولیت فرعی محسوب می‌شود^۲. این مسئولیت ریشه در حقوق عرفی بین‌الملل دارد و بر مبنای رضایت صریح یا ضمنی سازمان استوار است.

۶- نتیجه‌گیری

گرچه رویکرد حقوق بین‌الملل اغلب بیان می‌کند که دولت‌های عضو معمولاً مسئولیت اقدامات متخلفانه سازمان‌های بین‌المللی را بر عهده نمی‌گیرند، همان‌طور که در برخی موارد مانند شورای قلع یا سازمان صنعتی عرب (وولند) مشاهده شده‌است، در شرایط خاصی دولت‌های عضو نیز ممکن است مسئولیت چنین رفتارهایی را قبول کنند. افزون بر این، در مواردی نیز پیش می‌آید که سازمان بین‌المللی خود باید مسئولیت اقدامات متخلفانه

اعضای خود را بپذیرد. در این راستا، کمیسیون حقوق بین‌الملل تلاش کرده است تا موقعیت‌هایی را که استقلال شخصیت حقوقی یک سازمان بین‌المللی ممکن است نقض شود، مشخص کند. چنین مواردی معمولاً به نوعی دخالت از سوی یک طرف نیاز دارد؛ این دخالت ممکن است توسط دولت‌های عضو در اقدامات متخلفانه سازمان باشد یا بالعکس، سازمان در اقدامات متخلفانه دولت‌های عضو دخالت داشته باشد. این مسئله از عرف بین‌المللی سرچشمه می‌گیرد و شامل مواردی همچون اجبار، کمک یا مساعدت، هدایت و کنترل است. همچنین، در برخی مواقع ممکن است اصل شخصی بودن مسئولیت به واسطه انتساب اعمال متخلفانه به سازمان نقض شود. افزون بر این، مواردی وجود دارد که دولت عضو یا بالعکس سازمان، مسئولیت اعمال متخلفانه یکدیگر را می‌پذیرند. حتی در برخی شرایط، اقداماتی صورت می‌گیرد که نشان‌دهنده پذیرش ضمنی مسئولیت توسط یکی از طرفین، اعم از دولت یا سازمان، در قبال اقدامات دیگری است. با این حال، طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل بر این نکته تأکید دارد که عضویت در یک سازمان بین‌المللی به خودی خود نمی‌تواند به معنای پذیرش مسئولیت رفتار آن سازمان باشد، مگر این که دخالت مشخصی انجام شود. اگرچه رویکرد بین‌الملل این دیدگاه را مطرح می‌کند که دولت‌ها غالباً مسئولیت تخلفات سازمان را نمی‌پذیرند، بهتر است چنین ادعایی به صورت مطلق بیان نشود و هر مورد با توجه به شرایط خاص خود بررسی گردد. علاوه بر این، وجود مقرراتی که مسئولیت اعضا را در قبال اقدامات متخلفانه سازمان در اسناد مؤسس برخی سازمان‌ها نفی می‌کند، لزوماً به معنای فرض مسئولیت اعضا در فقدان چنین مقرراتی در اسناد دیگر نیست. بنابراین مطلب که سازوکاری اندیشیده شود که دول عضو سازمان به‌صورت صریح دیگر به هیچ وجه تحت لوای شخصیت حقوقی مستقل سازمان قرار نگیرند. این ایده سبب می‌گردد که نظریه مسئولیت مطلق سازمان‌های بین‌المللی تا حدودی از بین رفته و افق جدیدی در مسئول دانستن اعضای سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل مورد گشایش قرار گیرد. خاطر نشان می‌گردد این ایده سابقاً مطرح گردیده است. لیکن سازوکار اجرایی آن شفاف و روشن نیست که نیازمند بازنگری می‌باشد. نمی‌توان به‌طور پیش‌فرض عضویت در یک سازمان را به معنای پذیرش مسئولیت در قبال اعمال خلاف آن سازمان تلقی کرد. این موضوع باید برای هر مورد به‌طور جداگانه بررسی شود و شرایط مرتبط با آن در نظر گرفته شود. عواملی همچون نوع فعالیت سازمان، ماهیت اهداف و وظایف آن، تعداد اعضا و همچنین گستره فعالیت‌های سازمان می‌تواند تعیین‌کننده باشد. به‌طور مثال، اگر فعالیت و اهداف یک سازمان محدود بوده و تعداد اعضای آن کم

1. Ario, Art 61((www.un.org./law/ilc)) 4/5/2018

2. Ario, 62 ((www.un.org./law/ilc)) 4/5/2018

باشد، احتمال پذیرش مسئولیت توسط دولت‌های عضو افزایش می‌یابد. برای نمونه، در حکم داوران پرونده «وستلند» اشاره شد که تعداد کم اعضا (سه عضو) منجر به هم‌پوشانی و مشارکت بیشتر اعضا در فعالیت‌های سازمان شد و این امر به طرف‌های ثالث نشان داد که دولت‌های عضو در قبال اقدامات سازمان مسئولیت دارند. با این حال، هنگام اظهارنظر درباره چنین اصولی در حقوق بین‌الملل، باید احتیاط لازم را به عمل آورد، زیرا ممکن است این امر به مداخله گسترده‌تر اعضا در فعالیت‌ها و تصمیمات سازمان منجر شود. اگر اعضای یک دولت سهم خود را در بودجه سازمان پرداخت کرده باشند، معمولاً هیچ مسئولیت بین‌المللی بابت بدهی‌های سازمان بر عهده نمی‌گیرند. با این حال، دیده می‌شود که حتی در این شرایط نیز آن‌ها ممکن است نوعی مسئولیت (هرچند اخلاقی) در قبال بدهی‌های سازمان احساس کنند. به نظر می‌رسد دولت‌های عضو تمایلی به پذیرش مسئولیت رسمی ندارند، اما در عین حال پرداخت بدهی‌های سازمان را نیز رد نمی‌کنند. این وضعیت در ماجرای «شورای بین‌المللی قلع» روشن بود. علی‌رغم امتناع شدید دولت‌های عضو از پذیرش مسئولیت بین‌المللی برای اقدامات شورا، آن‌ها به‌صورت قطعی پرداخت برخی از بدهی‌های آن را رد نکردند. این موضوع در توافقی که پس از صدور حکم در پرونده شورای قلع انجام شد، بازتاب یافت؛ جایی که دولت‌های عضو موافقت کردند ۴۰ درصد از بدهی‌های سازمان را بپردازند، بی‌آنکه مسئولیت بین‌المللی خاصی را بپذیرند.

منابع

- [۱] زمانی، سید قاسم (۱۳۹۵). حقوق سازمان‌های بین‌المللی، جلد دوم، انتشارات شهر دانش، تهران.
- [۲] زمانی، سید قاسم (۱۳۷۶). تأملی بر مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره ۲۱.
- [۳] شهبازی، آرامش و رضایی نسب، بهنام (۱۳۹۶). توزیع وانتساب مسئولیت بین‌المللی به سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو: شکل‌گیری رژیم‌های مسئولیتی خاص، کتاب حج اندیشه، انتشارات دانشگاه مفید.
- [۴] ضیائی بیگدلی، محمدرضا و ترازوی، نسرين (۱۳۹۹). توزیع جبران خسارت در وضعیت مسئولیت مشترک بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره

- ۳۷، شماره ۶۳ (پاییز- زمستان) - شماره پیاپی ۶۳
- [۵] موسوی، فضل‌الله و خداپرست، ناصر (۱۳۹۲). مسئولیت اعضای سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۸، شماره ۶۴ - شماره پیاپی ۶۴.
- [۶] موسی زاده، رضا (۱۳۸۸). سازمان‌های بین‌المللی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات میزان
- [7] Aspremont, J., (2007). Abuse of the legal personality of international organizations and the responsibility member state, *International Organization Law Review*, p91.
- [8] ECHR report 1999- I, p 410, para 67 www.un.org.4/5/2018.
- [9] Grantt, T. D., (2009). International responsibility and the admission of states to the united nations, 2009 michigan, *Journal of International Law*, Vol. 30, p 1095.
- [10] Reinish, A., (2010). Aid or Assistance and direction and control between states and international organizations In the commission of internationally wrongful acts, *International Organizations Law Review*. Vol, p 63-77.
- [11] Ryrigaert, C., Buchanan, H., (2011). Member state responsibility for the acts of international organizations, *Utrecht Law Review*, Vol. 7, No. 1, p 131-146.
- [12] Stumer, A., (2007). Liability of member states for acts of international organizations: Reconsidering the policy objections, *Harvard International Law Journal*, Vol. 48, No. 2.
- [13] Wild, R., (2005). Enhancing accountability of international level: The tension between international organization and member state responsibility and the underlying issues at stake, 2005 ILSA, *Journal of International and Comparative Law*, Vol. 12, pp 395-415. p 401.
- [14] YILC (2011). Vol 2, Part 2, commentary.